

نامه سرکشاده به فراکسیون حزب سبزها در پارلمان آلمان فدرال

به مناسبت اطلاعیه مطبوعاتی مورخ نهم نوامبر 2011 خانم کرسستین مولر،
سخنگوی سیاست خارجی حزب درباره گزارش IAEA در مورد برنامه اتمی ایران
ترجمه از آلمانی

جای بسی شگفتی است که فراکسیون حزب سبزها در پارلمان آلمان فدرال در جدال بر سر برنامه اتمی ایران و تهدید حمله از جانب اسرائیل به ایران آشکارا به نفع اسرائیل موضع گیری میکند. ما بدون هیچ قید و شرطی اعلام میکنیم که با دست یابی هر کشور جدیدی به سلاح اتمی شدیداً مخالفیم و تردیدی نداریم که چنانچه بمب اتمی در اختیار ایران قرار گیرد، بی ثباتی منطقه بیش از پیش تشدید خواهد شد. در عین حال بر این باوریم که نمیتوان خطرات کشوری را که یک زرادخانه اتمی در اختیار دارد، از بدو تشکیلش بارها کشورهای همجوارش را مورد تجاوز نظامی قرار داده است و تا به امروز از انجام خواست جامعه جهانی برای دست کشیدن از اشغال فلسطین سر باز زده است، نادیده گرفت. حال اگر کسی مانند فراکسیون حزب سبز در پارلمان آلمان فدرال بخواهد تنها از دست یابی ایران به سلاح اتمی جلوگیری کند و عوامل دیگر را نادیده بگیرد، درواقع نه تنها از انحصار قدرت اتمی اسرائیل جا نبداری کرده است، بلکه عملاً خود را در مسئولیت گسترش سلاح های هسته ای در منطقه و دیگر نقاط جهان سهیم میکند. البته هستند افرادی نظیر نتا نیا هو و لیبرمان که تصور میکنند با تکیه بر قدرت نظامی و به ویژه تسلیحات اتمی میتوانند برای مردم اسرائیل امنیت بیشتر تضمین کنند، در حالیکه مشخصاً همانها هستند که با این روشها و تهدیدها امنیت اسرائیل را بیش از همه به خطر می اندازند.

حال اگر هدف فراکسیون سبزها در پارلمان آلمان فدرال واقعا حفظ موجودیت اسرائیل و همزیستی مسالمت آمیز همه ملت های خاور میانه باشد، باید آنها به جای پذیرش و تا بید قدرت اتمی اسرائیل برای ایجاد منطقه ای عاری از سلاح های کشتار جمعی و ترویج اندیشه تعامل میان کشورهای خاورمیانه و نزدیک تلاش کنند و همه کشورها، از جمله ایران و اسرائیل را به همکاری سازنده برای دستیابی به این چشم انداز صلح پایدار فراخوانند. چه نکو بود اگر آنها به محدود ندهای هوشمندانه ای که از اسرائیل شنیده میشود، مانند توصیه هیلل شنکر، گوش فرا میدادند. (رجوع شود به روزنامه هآرتس، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۱)

علاوه بر آنچه در بالا گفته شد، اطلاعیه فراکسیون حزب سبزها بر خلاف انتظاری که میتوان از یک حزب پارلمان آلمان داشت، فاقد واقع بینی و توان تشخیص است و بدون چون و چرا و یک برخورد انتقادی، گزارش اغراق آمیز سازمان انرژی اتمی (IAEA) و ادعای تبلیغاتی آنرا میپذیرد:

- گزارش سازمان انرژی اتمی قبل از انتشار اعتبار خود را از دست داده بود، زیرا اسرائیل که خود عضواً این سازمان نیست ده روز قبل از انتشار گزارش با استناد به آن ایران را، که عضو سازمان است، به حمله نظامی تهدید کرده بود.

- البته گزارش سازمان انرژی اتمی مفصل تر از گزارشهای پیشین است، اما این دلیل بر دقیق تر بودن آن نیست. این گزارش نه ثابت میکند که ایران واقعا توان ساخت بمب اتمی دارد و نه اینکه چه زمانی برای ساخت آن نیاز دارد. اکنون حدود ده سال است این هشدار هراسناک را مدام میشنویم که ایران ظرف ششماه دیگر به بمب اتمی دست خواهد یافت

- گزارش سازمان انرژی اتمی عمدتاً متکی بر اطلاعات سازمان های امنیتی ده کشور است. معلوم نیست به چه علت نام این کشورها در گزارش ذکر نمیشود. آیا سازمان انرژی اتمی

میخواهد با کتمان این واقعیت که اسرائیل که عضو آژانس انرژی اتمی نیست، ولی بعنوان طرف دعوی در گردآوری اطلاعات سهیم بوده است از بی اعتبار شدن گزارش و رسوائی خود جلوگیری کند؟

به رغم همه این نکات که هریک اعتبار گزارش سازمان انرژی اتمی را مورد تردید قرار میدهند، در اطلاعیه فراکسیون حزب سبزها کوچکترین نشانه ای از تعمق دیده نمیشود. چنین برخوردی با معضلی که میتواند به یک جنگ خاتمانسوز در حساس ترین منطقه جهان بیانجامد، از یک حزب سیاسی متعهد بعید است. به خاطر داریم که در گذشته ای نه چندان دور سازمان های جاسوسی برای توجیه جنگ علیه عراق اطلاعات دروغین در اختیار جرج دبلیو بوش قرار دادند. آیا فراکسیون حزب سبزها از یاد برده است که چگونه کولین پاور، وزیر خارجه پیشین امریکا، به خاطر دروغ هایی که بر اساس اطلاعات سازمانهای جاسوسی با شور و حرارت تمام در شورای امنیت سازمان ملل متحد گفته بود، رسماً در انظار عمومی جهانیان عذر خواهی کرد؟ آیا جنگ افغانستان و عراق برای خاور میانه و نزدیک کافی نیستند؟ آیا باید جنگ ایران هم به آن اضافه شود تا از تاریخ درس بگیریم؟ این دیگر واقعا مضحک است که بخواهیم به حزبی که مشروعیت خود را از جنبش صلح طلبی آلمان کسب کرده است، دسیسه هایی را تفهیم کنیم که برای توجیه یک جنگ جدید به کار برده میشوند.

هشدار های فراکسیون حزب سبز آلمان در مورد،، پیامد های فاجعه بار جنگ،،، یه دولت اسرائیل تا زمانی که همراه با تاکید به تحریم های هرچه شدید تر علیه ایران مطرح میشود، کاملاً صوری است، تحریم هایی که علاوه بر فشار مشدد بر مردم ایران و پیامدهای خانمانسوز آن برای جامعه، در نهایت هدفشان چیزی نیست جز هموار کردن جاده برای آغا زیک جنگ جدید. فراموش نکنیم، شدید ترین تحریم ها علیه رژیم صدام حسین در دهه ۱۹۹۰ سرانجام به جنگ منتهی گردید. این واقعیت را نیز در نظر داشته باشیم که هرچه تحریم ها علیه ایران شدید تر شوند، عمر نظام غیر دموکراتیک و سرکوبگر رژیم حاکم طولانی تر خواهد شد. زیرا تحریم ها بهانه مناسبی به دست حکومت میدهند تا افکار عمومی را از رشوه خواری و بی تدبیری خود که کشور را به فلاکت کشانده است، منحرف کند و درست همانگونه که صدام حسین در طول تحریم های ده ساله عمل کرد، ادامه حیات خود را به عنوان تضمین کننده نجات ملت در شرایط اضطراری توجیه کند. از این راه نظام جمهوری اسلامی ایران میتواند برای خود مشروعیتی را که سالهاست از دست داده، مجدداً کسب کند. به باور ما زمان آن فرا رسیده است که از سیاست دوگانه و دو معیاری دست برداریم. در غیر اینصورت این سیاست آگاهانه یا ناآگاهانه در عمل در خدمت سیاست جنگ افروز دیگری در خاور میانه و نزدیک و این بار علیه ایران قرار خواهد گرفت، که میتواند تمام منطقه، از جمله اسرائیل را به آتش بکشد.

برلن، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۱

محسن مسرت بهمن نیرومند